

مقایسه عملکرد برنامه‌های توسعه ایران با شاخص فقر چند بعدی محاسبه شده به روش آلکایر و فوستر

*محمدحسن فطرس^۱، سوده قدسی^۲

۱. استاد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
(دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸)

Comparing Iranian Development Plans by Multidimensional Poverty Index Calculated by Alkire-Foster Method

*Mohammad Hasan Fotros¹, Sudeh Ghodsi²

1. Professor of Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
2. Ph.D. Student of Economics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
(Received: 17/Sep/2016 Accepted: 7/Jan/2017)

Abstract:

The main objective of this paper is to measure multidimensional poverty index (MPI) based on Alkire and Foster method and analyzing incidence and intensity of poverty in Iran in three dimensions for the period of 1989-2014. In this study, households' income-expenditure raw data published by the Statistical Center of Iran was used. The results show that the incidence and intensity of MPI are decreased in this period of study. The most incidence and intensity of poverty belongs to 1989. Also, the poverty incidence of rural areas is more than in urban areas in 1989, 1994, 1999, 2004, and 2014, but intensity of poverty in rural areas is more than urban areas in all years. Finally, the development plans have decreased MPI during all the period of 1989-2014.

Keywords: Multidimensional Poverty, Alkire and Foster Method, Iranian Development Plans.

JEL: I32, I38, P25.

چکیده:

برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدا در کشور، لازم است با بهره‌گیری از شاخص‌های سنجش فقر، پیش از هر اقدامی تصویری دقیق از وضعیت موجود ترسیم شود. در این مقاله سعی بر این است که شاخص فقر چند بعدی به روش آلکایر و فوستر طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۸ محاسبه گردیده و عملکرد برنامه‌های پنج ساله توسعه بر اساس شاخص مذکور مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور در این مطالعه از داده‌های خام هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار ایران استفاده شده است. نتایج نشان داد که طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۸ وسعت، شدت فقر و همچنین میزان فقر چند بعدی در هر دو مناطق شهری و روستایی کاهش یافته است. بیشترین مقدار نسبت سرشمار (وسعت فقر) و همچنین میانگین محرومیت افراد فقیر (شدت فقر) متعلق به سال ۱۳۶۸ است. نسبت سرشمار در سال‌های ۱۳۶۸، ۷۸، ۸۳ و ۹۳ در مناطق روستایی از نسبت سرشمار در مناطق شهری بیشتر است و در سال ۸۸ این نسبت در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. عمق فقر نیز در تمامی سال‌ها در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد به طور کلی برنامه‌های توسعه سبب کاهش فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ شده است.

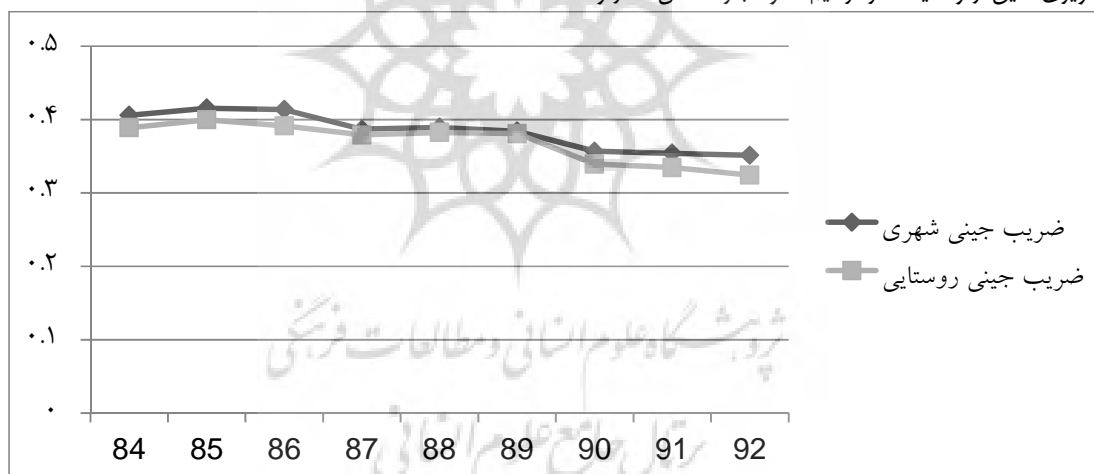
واژه‌های کلیدی: فقر چند بعدی، برنامه‌های توسعه، روش آلکایر و فوستر.

طبقه‌بندی JEL: I32, I38, P25.

۱- مقدمه

کاهش فقر و نابرابری از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران در جوامع مختلف جهان است به طوری که نخستین هدف از مجموعه اهداف توسعه هزاره، ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی است. علی‌رغم کاهش فقر طی سال‌های گذشته در جهان هنوز افراد زیادی در فقر شدید به سر می‌برند. در ایران نیز سند چشم‌انداز بیست ساله کشور ویژگی یک جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز را جامعه‌ای برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مندی از محیط مطلوب بیان می‌کند. همچنین، مطابق برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور یکی از سیاست‌های مهم این برنامه‌ها کاهش فقر است. بدین منظور، در اولین قدم برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های کاهش فقر، ضروری است تصویری دقیق از وضعیت فقر ترسیم شود. بر اساس آمار و

اطلاعات موجود در میزان دستیابی به اهداف توسعه هزاره، نسبت جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز در ایران از سال ۸۶ تا سال ۸۸ روند افزایشی و پس از آن روند کاهشی داشته و در سال ۹۳ نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۵: ۲۵۸). همچنین بررسی ضریب جینی به عنوان یکی از معیارهای سنجش توزیع درآمد نشان می‌دهد که ضریب جینی در هر دو مناطق شهری و روستایی ایران از سال ۸۴ تا ۹۲ روند کاهشی داشته است و در تمامی این سال‌ها میزان ضریب جینی در مناطق روستایی از شهری کمتر است. مقدار ضریب جینی در هر دو مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۸۸ و ۸۹ در مقایسه با سال قبل از آن افزایش و پس از آن کاهش یافته است؛ نمودار ۱ ضریب جینی مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۹۲-۸۴ را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. ضریب جینی مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۹۲-۸۴

مأخذ: گزارش شاخص‌های ماده ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه مرکز آمار ایران

درآمدی یا فقر ناشی از کمبود درآمد هستند. اما توجه صرف به درآمدها برای کاهش فقر دچار کاستی‌هایی جدی است و توجه صرف به درآمدها نمی‌تواند ابعاد مختلف فقر را از بین ببرد. این نگاه معتقد است که ریشه و علت اصلی فقر را نمی‌توان کمبود یا نبود درآمد دانست، بلکه ریشه‌های اصلی آن در فقدان شرایطی است که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر فراهم می‌کند. سن^۱ دریافت که به جای تمرکز محدود بر درآمد به عنوان متغیر محوری، نظر خود را باید به عنصر قابلیت معطوف سازد. بر اساس این دیدگاه سن و همکارانش توانستند

اما همان‌طور که در اهداف توسعه هزاره نشان داده شده است، فقر شدید، ابعاد گسترده‌ای دارد که نه تنها درآمد پایین بلکه آسیب‌پذیری در قبال بیماری، محرومیت از تحصیل، گرسنگی و سوءتغذیه مداوم، عدم دسترسی به تسهیلات رفاهی اولیه از جمله آب آشامیدنی را هم شامل می‌شود که زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند (میرباقری هیر، ۱۳۹۵: ۹۳). بنابراین بر اساس آنچه گفته شد، معیارهایی چون خط فقر، درصد افراد فقیر و شکاف فقر و بسیاری از معیارهای مانند آن به شناسایی فقیران و نیز تعداد یا درصد آنها می‌پردازد و تاکنون در بسیاری از تحقیقات استفاده شده است که همگی مبتنی بر رویکرد فقر

1. Sen

بر این اساس، هدف از این پژوهش، ارائه روش شناسی محاسبه شاخص فقر چند بعدی بر اساس آمار و اطلاعات موجود در کشور، به‌ویژه داده‌های موجود در سطح فردی است و با استفاده از آن می‌توان معیاری از وضعیت فقر چند بعدی در کشور به دست آورد. تحلیل وضعیت و ترسیم روند شاخص فقر چند بعدی نیز نیازمند محاسبه شاخص در دوره‌های زمانی متوالی است و تحلیل ایستای آن معیار مطلوبی را برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کلان و خرد به دست نمی‌دهد. از این‌روی، در راستای ارتقای دانش موجود در زمینه فقر و شناخت و درک عمیق از وضعیت فقر، مطالعه حاضر با استفاده از روش آکایر و فوستر به اندازه‌گیری شاخص فقر چند بعدی ایران طی سال‌های منتخب در فاصله سال‌های ۹۳-۶۸ می‌پردازد. با انجام این پژوهش می‌توان علاوه بر تعیین وسعت و شدت فقر، سهم هر یک از ابعاد مورد نظر در میزان شاخص فقر چند بعدی را مشخص کرد و با استفاده از نتایج آن توصیه‌های سیاستی مناسبی جهت بهبود تدوین و عملکرد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور ارائه داد (صادقی شاهدانی و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۳).

این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. در بخش دوم، مروری بر پیشینه تحقیق صورت می‌گیرد. در بخش سوم، مبانی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش به اجزای شاخص از جمله ابعاد و زیرشاخص‌های مورد استفاده در شاخص مذکور پرداخته می‌شود. در قسمت روش تحقیق به شرح روش آکایر و فوستر در محاسبه شاخص فقر چند بعدی و همچنین وسعت و شدت فقر پرداخته می‌شود. در نهایت مقاله با ارائه نتایج تحقیق و جمع‌بندی به پایان می‌رسد.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع فقر، در دهه‌های اخیر مطالعاتی در مورد فقر چند بعدی با رویکردهای مختلف انجام شده است که جهت رعایت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

حسینی‌نژاد و اقتصاددانان شاخص‌های فقر را با استفاده از روش سلطه تصادفی طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه با یکدیگر مورد مقایسه قرار دادند. نتایج نشان داد که طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، راهبرد مشخصی به منظور کاهش فقر از سوی برنامه‌ریزان دنبال نشده است. آزمون معنی‌داری کاهش فقر در سال‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که مقادیر شاخص‌های فقر، طی سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه، روند مشخصی در راستای کاهش آن نداشته است

با بسط و مفهوم‌سازی رویکردی نوین در مطالعات فقر که به رویکرد قابلیت معروف شده است، موجی جدید از چالش‌های نظری و کاربردی را در موضوع فقر پدید آوردند. سن با طرح رویکرد قابلیت فصلی جدید را در تعریف، ارزیابی و سیاست‌های اجتماعی معطوف به فقر در ادبیات اقتصادی گشود. از منظر قابلیت، شکاف واقعی بین افراد، شکاف قابلیت است و لذا خطوط فقر رایج نمی‌توانند معیار صحیحی برای اندازه‌گیری باشند. اندازه‌گیری فقر می‌بایست بر مبنای فقر قابلیت باشد، فقر به معنی بی‌سوادی، فقدان آموزش، سوءتغذیه، تبعیض‌های جنسیتی و مانند آن معیارهای مناسب‌تری هستند؛ از این‌روی مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد با همکاری برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص فقر چند بعدی (MPI) را که رویکرد قابلیت دارد در سال ۲۰۱۰ ارائه دادند و نخستین دور محاسبه شاخص توسط آکایر و فوستر در جولای ۲۰۱۰ و پس از آن توسط گزارش توسعه انسانی در نوامبر ۲۰۱۰ صورت گرفت. شاخص فقر چند بعدی تاکنون برای ۱۰۴ کشور در حال توسعه توسط مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد محاسبه شده است. در هر سال نیز محاسبه شاخص کشورها از طریق معیارهایی که بهبود می‌یابند صورت می‌گیرد.

شایان ذکر است، برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدا در کشور، لازم است با بهره‌گیری از شاخص‌های سنجش فقر، پیش از هر اقدامی تصویری دقیق از وضعیت موجود ترسیم شود. همچنین، با بررسی وضعیت فقر در طول زمان نیز می‌توان برنامه‌های سیاستی دارای اولویت را تعیین کرد. سنجش و بررسی شاخص فقر در ایران این امکان را فراهم می‌آورد که بایدهای مربوط به تدابیر علمی و دقیق مبتنی بر واقعیت‌های موجود، برای تحقق اهداف ایده‌آل شناخته شوند و بتوان با برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه در راستای تحقق این اهداف گام برداشت. از آنجایی که در گزارش‌های منتشر شده بین‌المللی، به دلیل محدودیت دسترسی به داده‌های مورد نیاز برای محاسبه شاخص، شاخص فقر چند بعدی برای ایران توسط مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد محاسبه نمی‌شود؛ از این‌روی، معیاری از اندازه شاخص فقر چند بعدی برای ایران در گزارش‌های بین‌المللی در دسترس نیست. بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که برای دسترسی به معیار مناسبی جهت مقایسه و بررسی وضعیت ایران در سطح بین‌الملل، شاخص فقر چند بعدی بر اساس معیارهای مشابه به روش پیشنهاد شده توسط آکایر و فوستر در ایران اندازه‌گیری شود.

(حسینی نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۴: ۳۳).

شهری نسبت به مناطق روستایی، موفقیت بیشتری داشته‌اند، میزان خطوط فقر مطلق در مناطق شهری نیز بیشتر از مناطق روستایی بوده است. در نهایت، میزان فقر مطلق و همچنین شکاف فقر مطلق در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲: ۳۵).

یگانلو با هدف تغییر دیدگاه از بعد درآمدی فقر به بعد محرومیت از امکانات و همسویی با نگرش‌های نوین فقر، به محاسبه شاخص چند بعدی فقر بر مبنای استان‌ها پرداخته است. بدین منظور شاخص را در سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی و با استفاده از هشت زیرشاخص محاسبه کرده است که دو زیرشاخص تغذیه و مالکیت دارایی حذف شده‌اند. محاسبه شاخص با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و در سطح کلان انجام شده است. نتایج نشان داد استان‌های ایلام، تهران، اصفهان، خوزستان، لرستان، هرمزگان، فارس، کرمانشاه، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان استان‌های دارای محرومیت هستند و استان همدان با شاخص فقر چند بعدی $0/0842$ کمترین مقدار شاخص در کل کشور را به خود اختصاص داده است (یگانلو، ۱۳۹۳: ۷۳).

شیروانیان و بخشوده توزیع و شدت فقر را بر پایه ابعاد آموزش، مسکن، غذا، درآمد و سلامت در مناطق روستایی مورد ارزیابی قرار دادند. آنها نتیجه گرفتند که فقر به صورت چندبعدی پدیده‌ای همه‌گیر (اپیدمیک) در مناطق روستایی می‌باشد و سهم بالایی از فقر به ابعاد مسکن و آموزش مربوط می‌شود (شیروانیان و بخشوده، ۲۰۱۲: ۶۴۰).

باتانا^۲ شاخص فقر چند بعدی را به روش آلکایر و فوستر برای ۱۴ کشور در صحرای آفریقا محاسبه کرده است. بدین منظور چهار زیرشاخص دارایی، سلامت، آموزش و توانمندسازی در نظر گرفته شدند. نتایج نشان دهنده تفاوت قابل ملاحظه‌ای در شاخص فقر کشورهای مورد بررسی است. نتایج نشان داد در تمامی کشورها مناطق روستایی به مقایسه با مناطق شهری فقیرتر هستند و در بین زیرشاخص‌ها نیز، زیرشاخص آموزش بیشترین سهم را در ایجاد فقر دارد (باتانا، ۲۰۰۸: ۲۷).

باتیستون^۳ و همکاران به محاسبه شاخص فقر چند بعدی به روش آلکایر و فوستر برای شش کشور آرژانتین، برزیل، شیلی، السالوادور، مکزیک و اروگوئه در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۲ پرداختند. بدین منظور شش زیرشاخص درآمد، حضور فرزند در مدرسه، وضعیت سواد سرپرست خانوار، سیستم دفع فاضلاب،

شاهمرادی شاخص فقر چند بعدی را در استان کرمانشاه با استفاده از رویکرد نظریه اطلاعات که توسط معصومی و لوگو^۱ ارائه شده است و با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۶۳ با در نظر گرفتن متغیرهای درآمد، تغذیه، آموزش و مسکن محاسبه کرده است (شاهمرادی، ۱۳۹۱: ۶).

حسن‌زاده بر اساس اطلاعات طرح هزینه-درآمد خانوارها و بر اساس شش ویژگی درآمد، تغذیه، حمل و نقل و ارتباطات، آموزش، مسکن و سلامت به اندازه‌گیری فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی و کل کشور و نیز در نه منطقه کشور پرداخته است. در ابتدا میزان فقر تک‌بعدی هر یک از ابعاد ذکر شده با استفاده از شاخص واتس برای سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۸، ۱۳۷۴، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ محاسبه شده است. سپس شاخص فقر چند بعدی با استفاده از سه رویکرد واتس، نظریه اطلاعات و رویکرد وزنی محاسبه شده است. نتایج نشان داد در دوره مورد بررسی، شاخص‌های فقر تک بعدی تمام ابعاد دارای روندی کاهشی بوده و همچنین نرخ فقر در تمامی ابعاد به غیر از بعد "حمل و نقل و ارتباطات" در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. به علاوه نرخ فقر چند بعدی در کل کشور بر اساس هر سه رویکرد طی این سال‌ها روندی کاهشی داشته است و بیشترین نرخ فقر در دو رویکرد واتس و نظریه اطلاعات مربوط به سال ۱۳۶۸ بوده است در حالی که با رویکرد وزنی بیشترین نرخ در سال ۱۳۶۳ است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۶).

یوسفی و همکاران به بررسی، سنجش و مقایسه فقر چندبعدی در ایل‌های عشایر کشور با استفاده از روش آلکایر و فوستر پرداختند. نتایج نشان داد که ۴۲ درصد ایل‌ها در دست کم ۳۰ درصد معیارها محروم و به‌طور میانگین شدت فقر آنها ۴۶ درصد است. همچنین، محرومیت ایل‌ها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده است. از سویی، ارتقای وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به‌ویژه دختران و زنان، بیشترین تأثیر را در کاهش فقر دارد که در هدف‌های توسعه هزاره نیز بر آن تأکید شده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷).

ارشدی و کریمی به اندازه‌گیری وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران و با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوار، طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۶۸ پرداخته‌اند. نتایج دلالت بر آن دارد که برنامه‌های توسعه اقتصادی در کاهش فقر مناطق

2. Batana (2008)

3. Battiston et al. (2009)

1. Lugo

سالم، سرویس بهداشتی پیشرفته و برق، آموزش شامل حضور کودکان در مدرسه، نداشتن شکاف تحصیلی و میزان تحصیلات بزرگسالان، کار و حمایت‌های اجتماعی و در نهایت سطح زندگی شامل درآمد و کالاهای بادوام (سانتوس و همکاران، ۲۰۱۵: ۷).

۳- مبانی نظری

به‌دلیل ماهیت چندبعدی فقر، ارائه تعریف جامع و دقیقی از فقر مشکل است. فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف کرد. تانسند^۳ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اعتقاد داشت که افراد، خانوارها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند. از دیدگاه بانک توسعه آسیا^۴ نیز فقر، محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هر فرد مستحق آنهاست. بوت و روانتری^۵ نیز در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند که بین فقر مطلق و نسبی تمایز قائل شوند. از دیدگاه آنها فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است و بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است (ارضروم‌چیلر، ۱۳۸۴: ۱۲).

بر اساس تعاریف مختلف فقر مبتنی بر رویکرد درآمدی، شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری فقر در مطالعات مختلف ارائه شده‌اند. از جمله این شاخص‌ها، شاخص نسبت افراد فقیر^۶ است که به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف شده است. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ فقیری در جامعه وجود ندارد) و یک (حالتی که درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. کاربرد این شاخص به دلیل برخی مشکلات آن با محدودیت مواجه است، از جمله اینکه نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتی بین فقیرها و غیرفقیرها و همچنین نسبت به کاهش درآمد فقرا حساس نیست. شاخص دیگر، شاخص نسبت شکاف درآمدی است که مقدار متوسط فاصله درآمد افراد فقیر تا خط

دسترس به آب و مسکن در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد شاخص فقر چند بعدی السالوادور، برزیل، مکزیک و شیلی در این دوره به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است. در مقابل، در مناطق شهری اروگوئه شاخص مذکور به مقدار کم کاهش و در مناطق شهری آرژانتین تفاوت محسوسی نداشته است. در تمامی کشورها، سیستم دفع فاضلاب و وضعیت سواد سرپرست خانوار بالاترین سهم را در شاخص فقر چند بعدی داشته‌اند (بایستون و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۶).

سانتوس^۱ با استفاده از داده‌های پیمایش سطح زندگی در بوتان شاخص فقر چند بعدی را در دو مقطع زمانی ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ اندازه‌گیری کرده است. در این پژوهش از مخارج مصرفی در کنار شش معیار دیگر استفاده شده است که عبارتند از: سلامت، آموزش، دسترسی به برق، آب سالم، بهداشت و سرانه مسکن. در نواحی روستایی از دو معیار دسترسی به جاده و زمین شخصی نیز استفاده شده است (سانتوس، ۲۰۱۳: ۲۵۹). آلکایر و همکاران به محاسبه شاخص فقر چند بعدی با این دیدگاه که این شاخص چارچوب معتبری ارائه می‌دهد که با آن می‌توان برآوردهای فقر درآمدی جهانی را کامل کرد، به محاسبه شاخص فقر چند بعدی برای بیش از صد کشور در حال توسعه پرداخته است. نتایج نشان داد در حدود ۱/۶۷ میلیون نفر در جهان در حال توسعه در فقر شدید به سر می‌برند و از نظر شاخص فقر چند بعدی فقیر هستند که این مقدار معادل ۳۲٪ کل جمعیت ۱۰۴ کشور در حال توسعه مورد بررسی است (آلکایر و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۵۱).

بالن و داکلاس^۲ به محاسبه شاخص فقر چند بعدی به روش آلکایر و فوستر برای کشور سودان و سودان جنوبی پرداختند. بدین منظور زیرشاخص‌های آموزش، مصرف، دسترسی به دارایی‌های عمومی و خصوصی در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد فقر در سودان به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از سودان جنوبی است (بالن و داکلاس، ۲۰۱۵: ۲۸).

سانتوس و همکاران از رویکرد آلکایر و فوستر برای ساختن شاخص فقر چندبعدی در آمریکای لاتین استفاده کرده‌اند. این شاخص، دو رویکرد نیازهای اساسی و رویکرد خط فقر را ترکیب می‌کند و برای ۱۷ کشور از منطقه آمریکای لاتین اندازه‌گیری شده است. بدین منظور سیزده زیر شاخص در قالب پنج بعد گروه‌بندی شده‌اند: مسکن شامل کیفیت مواد ساختمانی، سرانه اتاق و نوع مالکیت، امکانات اولیه شامل آب

3. Townsend

4. Asian Development Bank

5. Booth & Rowntree

6. Headcount Ratio

1. Santos (2013)

2. Ballon & Duclos (2015)

فقر درآمدی ممکن است به‌تنهایی نتواند انگیزه‌نهایی برای سیاست فقرزدا باشد. با وجود اهمیت بیشتر رابطه‌های ابزار، این رابطه‌ها نمی‌توانند درک اساسی از ماهیت و ویژگی‌های فقر به‌دست دهند (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴: ۷). از این‌رو، مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد با همکاری برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص فقر چند بعدی (MPI) را در سال ۲۰۱۰ ارائه دادند و نخستین دور محاسبه شاخص توسط آلكاير و فوستر در جولای ۲۰۱۰ و پس از آن توسط گزارش توسعه انسانی در نوامبر ۲۰۱۰ صورت گرفت.

در روش آلكاير و فوستر ترکیب محرومیت‌هایی که یک خانوار از آن رنج می‌برد، مشخص می‌شود و افراد فقیر را با استفاده از آستانه‌های محرومیت و فقر شناسایی می‌کنند. روش ارائه شده توسط آلكاير و فوستر روش انعطاف‌پذیری است که با استفاده از آن می‌توان ابعاد و زیرشاخص‌های مختلفی را برای سنجش فقر در نظر گرفت. روش فوق برای سنجش فقر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی طراحی شده است. همچنین از روش آلكاير و فوستر می‌توان برای نظارت بر کارآمدی برنامه‌های توسعه در طول زمان استفاده کرد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد روش آلكاير و فوستر این است که درصد افراد فقیر و مجموعه محرومیت‌هایی را که هر فرد یا خانواده با آنها روبه‌رو است محاسبه می‌کند. این ویژگی مزیت‌های مهمی برای این روش ایجاد می‌کند. اول آنکه شاخص فقر می‌تواند شدت فقر یا به عبارت دیگر مجموع وزنی محرومیت‌هایی را که هر فرد تجربه می‌کند نشان دهد؛ و دوم آنکه در این روش می‌توان شاخص فقر چند بعدی را به منطقه یا گروه اجتماعی خاصی تجزیه کرد. با وجود اینکه شاخص فقر چند بعدی به روش آلكاير و فوستر نسبت به سایر روش‌ها دارای مزایای زیادی است ولی نباید از معایبی که دارد، غفلت کرد. شاخص فقر چند بعدی از داده‌هایی استفاده می‌کند که از نظرسنجی خانوارها به دست می‌آیند و تمام داده‌ها باید از یک نظرسنجی استخراج شوند. بنابراین، با توجه به محدودیت‌های موجود در دسترسی به داده‌ها، انتخاب ابعاد مناسب اهمیت بسیاری دارد. محدودیت‌های موجود در داده‌ها، ابعاد و زیرشاخص‌ها محاسبه شاخص فقر چند بعدی را با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو می‌کند. همچنین، جمع‌آوری اطلاعات طی سال‌های مختلفی صورت می‌گیرد که ممکن است مقایسه بین شاخص فقر چند بعدی بین کشورها را با مشکل روبه‌رو کند. علاوه بر این، در تعریف برخی از زیرشاخص‌ها مانند تغذیه اختلاف نظر وجود دارد. همچنین،

فقر را به صورت نسبی از خط فقر بیان می‌کند. شاخص مذکور برای بیان شدت یا عمق فقر به کار گرفته می‌شود. چنانچه دو شاخص مذکور با همدیگر به کار برده شوند، می‌توانند تصویر نسبتاً بهتری از فقر را ارائه دهند. در نهایت از جمله شاخص‌های درآمدی سنجش فقر می‌توان به شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT)^۱ اشاره کرد که نشان دهنده عمق و شکاف فقر است و در آن فقر تابعی از نسبت شکاف فقر می‌باشد (عصاری و مزینانی، ۱۳۹۰: ۸۲).

اما چنانچه بیان شد، روش درآمدی سنجش فقر که در آن درآمد افراد نسبت به خط فقر مورد بررسی قرار می‌گیرد محدودیت‌های بسیاری دارد. الگوی مصرفی افراد متفاوت است، از این‌رو خط فقر درآمدی نمی‌تواند سطح دسترسی افراد مختلف به حداقل نیازهای اساسی آنها را نشان دهد. رابطه بین درآمد و قابلیت به‌شدت تحت تأثیر متغیرهایی از قبیل سن افراد، جنس، محل جغرافیایی، محیط بیماری‌های واگیر و سایر متغیرهایی است که فرد بر آنها کنترلی نداشته یا کنترل کمی دارد. برخی نارسایی‌ها ممکن است بین محرومیت درآمدی و گوناگونی در تبدیل درآمد به عملکردها وجود داشته باشد. از یک سو ناتوانی‌های ناشی از سن بالا می‌تواند توانایی‌های انسان را در کسب درآمد کاهش دهد و از سوی دیگر و با وجود این بیماری‌ها تبدیل درآمد به قابلیت نیز مشکل خواهد بود. این موضوع موجب می‌شود که فقر واقعی (بر حسب محرومیت ناشی از کمبود قابلیت) از فقر درآمدی شدیدتر باشد. علاوه بر این، ترکیب درون خانواده پیچیدگی‌های روش درآمدی اندازه‌گیری فقر را بیشتر می‌کند. در صورت توزیع نابرابر درآمد در خانواده به نفع برخی از افراد آن، میزان محرومیت اعضای فراموش شده در روش درآمدی به‌طور کامل منعکس نخواهد شد. رابطه محرومیت نسبی بر حسب درآمد می‌تواند به محرومیت مطلق بر حسب قابلیت‌ها منجر شود. فقر نسبی فردی در یک کشور ثروتمند می‌تواند موجب کاهش فراوان در قابلیت وی شود حتی اگر درآمد این فرد از سطح استانداردهای جهانی بالاتر باشد. به‌رغم تفاوت مفهومی فقر ناشی از کمبود قابلیت و فقر درآمدی، این دو مفهوم با هم ارتباط دارند. درآمد یک ابزار مهم برای دستیابی به قابلیت‌هاست و افزایش قابلیت‌های بیشتر منجر به افزایش درآمد از طریق افزایش توانایی شخص می‌شود. این ارتباط برای محو فقر درآمدی درخور اهمیت است. ارتباط بین این دو نباید فراموش شود و

1. Foster, Greer & Thorbecke

اهمیت آنها داده می‌شود. هر یک از سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی وزن $1/3$ دارند. زیرشاخص‌های هر بعد نیز وزن برابری دارند. بنابراین، هر یک از زیرشاخص‌های بعد سلامت و آموزش وزنی برابر $1/6$ و هر یک از زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی وزنی معادل با $1/18$ ($1/3 \div 6$) دارند. در صورتی که در محاسبه شاخص فقر چند بعدی زیرشاخص‌های کمتری در نظر گرفته شوند، وزن‌ها متفاوت خواهند بود.

به‌عنوان مثال، اگر در کشوری به‌دلیل محدودیت در جمع‌آوری داده‌ها اطلاعات مربوط به یکی از زیرشاخص‌های استاندارد زندگی در دسترس نباشد، در این صورت هر یک از چهار زیرشاخص بعدهای سلامت و آموزش وزنی معادل با $1/6$ و هر یک از زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی وزنی برابر با $1/15$ ($1/3 \div 5$) را به خود اختصاص می‌دهند.

به‌طور مشابه، اگر اطلاعات مربوط به یکی از زیرشاخص‌های بعد آموزش موجود نباشد، در این صورت هر یک از زیرشاخص‌های بعد سلامت وزنی معادل با $1/6$ ، هر یک از زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی وزنی برابر با $1/18$ و زیرشاخص بعد آموزش وزن $1/3$ را به خود اختصاص می‌دهند. در جدول ۱، جزئیات ۱۰ زیرشاخص، آستانه‌های محرومیت و همچنین وزن هر یک از زیرشاخص‌ها آورده شده است.

ممکن است برخی کشورها فاقد بیش از یک زیرشاخص برای محاسبه شاخص مذکور باشند. بنابراین، محاسبه این شاخص نمی‌تواند موقعیت هر کشور در رده‌بندی بین‌المللی را به‌طور دقیق مشخص کند.

در قسمت بعدی به بررسی ابعاد، زیرشاخص‌ها و اهمیتی که هر یک از ابعاد در تعیین افراد فقیر دارند پرداخته می‌شود.

۳-۱- ابعاد، زیرشاخص‌ها و وزن‌ها

آلکایر برای شناسایی افراد محروم سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی را در نظر می‌گیرد. هر بعد شامل چند زیرشاخص است. هشت زیرشاخص از بین ده زیرشاخص مطابق با اهداف توسعه هزاره هستند. بعد سلامت شامل دو زیرشاخص "تغذیه" و "مرگ و میر کودکان"؛ بعد آموزش شامل زیرشاخص‌های "سال‌های تحصیل" و "حضور فرزند در مدرسه" و بعد استاندارد زندگی نیز شامل زیرشاخص‌های "سوخت پخت و پز"، "دفع فاضلاب"، "دسترسی به آب آشامیدنی سالم"، "برق"، "کفپوش اتاق" و "تملک برخی دارایی‌ها" است.

برای نشان دادن اهمیت نسبی هر یک از ابعاد و زیرشاخص‌ها در تعیین افراد فقیر به آنها وزنی متناسب با میزان

جدول ۱. ابعاد، زیرشاخص‌ها و وزن‌ها در شاخص فقر چند بعدی

وزن	محروم است اگر...	زیرشاخص	ابعاد
$1/6$ $1/6$	هیچ یک از اعضای خانوار ۵ سال تحصیل را به اتمام نرسانده باشد. هیچ یک از فرزندان در سن مدرسه، در سال‌های ۱ تا ۸ در مدرسه حضور نداشته باشد.	سال‌های تحصیل حضور فرزند در مدرسه	آموزش
$1/6$ $1/6$	هر کودکی که در خانوار فوت کرده باشد. تغذیه هر بزرگسال و کودکی که برای آنها اطلاعات تغذیه وجود داشته باشد که سوء تغذیه دارند.	مرگ و میر تغذیه	سلامت
$1/18$ $1/18$ $1/18$	خانواری که برق نداشته باشد. سیستم فاضلاب خانوار بهبود نیافته باشد (با توجه به دستورالعمل‌های MDG)، یا اگر بهبود یافته باشد با خانوارهای دیگر مشترک باشد. خانوار به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشته باشد (با توجه به دستورالعمل‌های MDG) یا آب آشامیدنی سالم بیش از ۳۰ دقیقه پیاده‌روی در رفت و برگشت به خانه فاصله داشته باشد. کف پوش خانه از خاک، شن و ماسه یا کود باشد. سوخت پخت و پز با سرگین، چوب یا کرین باشد. خانوار حداکثر یکی از دارایی‌های زیر را در تملک خود داشته باشد: رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتور، یخچال یا ماشین یا کامیون نداشته باشد.	برق فاضلاب آب کف پوش سوخت پخت و پز تملک دارایی	استاندارد زندگی

مأخذ: آلکایر و همکاران (۲۰۱۵)

۴- روش تحقیق

چنانچه گفته شد در این مقاله شاخص فقر چند بعدی به روش آلکایر و فوستر محاسبه می‌شود. این روش شامل دو مرحله است. در مرحله اول شناسایی افراد فقیر و در گام بعدی جمع افراد فقیر به منظور محاسبه شاخص برای کل جامعه صورت می‌گیرد. محاسبه شاخص فقر چند بعدی با استفاده از ماتریس X با ابعاد $n \times d$ صورت می‌گیرد. n تعداد افراد و d ابعاد مورد نظر هستند. در این صورت، عنصر x_{ij} در ماتریس X میزان دسترسی فرد i را در بعد j نشان می‌دهد. برای هر یک از ابعاد یک آستانه محرومیت به صورت Z_j در نظر گرفته می‌شود. بنابراین آستانه محرومیت Z حداقل میزان دسترسی لازم برای فرد در هر بعد را نشان می‌دهد تا در صورت دسترسی به آن غیرمحروم در نظر گرفته شود. اگر میزان دسترسی فرد در بعد j از آستانه محرومیت مرتبط با آن (Z_j) کمتر باشد فرد در آن بعد محروم است و اگر میزان دسترسی فرد حداقل به اندازه آستانه محرومیت باشد فرد در آن بعد محروم نیست.

ماتریس محرومیت $g_0 = [g_{ij}]$ نشان دهنده افراد محروم در هر بعد است. به ازای مقادیر معین X ، ماتریس محرومیت g_0 متشکل از اعداد صفر و یک است. هر عنصری از ماتریس X که از آستانه محرومیت مربوط به آن (Z_j) کمتر باشد، فرد در آن بعد محروم است و در ماتریس محرومیت با یک ($g_{ij}^0 = 1$) مشخص می‌شود و هر عنصری که از آستانه محرومیت مربوط به آن کمتر نباشد، فرد در آن بعد محروم نیست و در ماتریس محرومیت با صفر ($g_{ij}^0 = 0$) مشخص می‌شود. بنابراین سطر i ام ماتریس محرومیت g_{i0} بردار محرومیت‌های فرد i در همه ابعاد و بردار ستونی g_{j0} نیز کل افراد محروم در هر بعد را نشان می‌دهد.

بردار وزن w نیز نشان دهنده اهمیت نسبی هر یک از ابعاد است. اگر ابعاد اهمیت نسبی یکسانی داشته باشند وزن یکسانی به آنها تعلق می‌گیرد و اگر بعدی اهمیت بیشتری در تعیین افراد فقیر داشته باشد وزن بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. جمع وزن‌ها نیز باید برابر یک باشد. نمره محرومیت هر فرد نیز از جمع وزنی محرومیت‌های وی به دست می‌آید. نمره محرومیت هر فرد با افزایش محرومیت وی افزایش یافته و زمانی که فرد در همه ابعاد محروم باشد به حداکثر مقدار خود می‌رسد و اگر فردی در هیچ یک از ابعاد محروم نباشد نمره محرومیت وی صفر خواهد بود.

پس از تعیین میزان محرومیت افراد، شناسایی افراد فقیر با

استفاده از آستانه فقر k و تابع شناسایی ρ_k صورت می‌گیرد. آستانه فقر حداقل نمره محرومیت لازم برای تعیین فرد فقیر است. تابع شناسایی $\{0,1\} \rightarrow R_+^d \times R_+^d \times \rho$ فرد فقیر را در جامعه X و با توجه به آستانه محرومیت Z ، وزن w و آستانه فقر k مشخص می‌کند. در این رابطه $x_i \in R_+^d$ و $z_i \in R_+^d$ می‌باشند. اگر فرد i فقیر باشد، تابع شناسایی طبق رابطه (۱) برابر با یک و اگر شخص فقیر نباشد، تابع شناسایی صفر خواهد بود:

(۱)

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{فرد } i \text{ فقیر است} \Rightarrow c_i \geq k \text{ اگر } \rho_k(x_i; z) = 1 \\ \text{فرد } i \text{ فقیر نیست} \Rightarrow c_i < k \text{ اگر } \rho_k(x_i; z) = 0 \end{array} \right.$$

پس از شناسایی افراد فقیر برای محاسبه شاخص فقر از ماتریس محرومیت حذفی $g^0(k)$ استفاده می‌شود. ماتریس محرومیت حذفی $g^0(k)$ از ماتریس محرومیت g_0 و بر اساس رابطه $\rho_k(x_i; z) = g_{ij}^0(k) \times \rho_k(x_i; z)$ به دست می‌آید. بدین ترتیب که هر عنصر ماتریس محرومیت حذفی حاصل ضرب عنصر متناظر در ماتریس محرومیت در تابع شناسایی است. بنابراین اگر فردی فقیر باشد و تابع شناسایی وی برابر با $\rho_k(x_i; z) = 1$ باشد وضعیت محرومیت وی بدون تغییر باقی مانده و اطلاعات محرومیت وی حفظ می‌شود و در صورتی که فردی فقیر نباشد با تابع شناسایی $\rho_k(x_i; z) = 0$ اطلاعات وی حذف خواهد شد. بنابراین، شاخص فقر چند بعدی از اطلاعات افراد فقیر استفاده می‌کند و اطلاعات افراد محرومی را که فقیر نیستند در نظر نمی‌گیرد. بردار نمره محرومیت‌های حذفی $c_i(k)$ نیز از ماتریس محرومیت حذفی طبق رابطه $c_i(k) = \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0(k)$ به دست می‌آید. در صورتی که نمره محرومیت فرد از آستانه فقر بیشتر باشد نمره محرومیت حذفی وی با نمره محرومیت وی برابر خواهد بود و اگر نمره محرومیت فرد از آستانه فقر کمتر باشد نمره محرومیت حذفی وی به صورت رابطه (۲) برابر صفر است:

(۲)

$$\left\{ \begin{array}{ll} c_i(k) = c_i & \text{اگر } c_i \geq k \\ c_i(k) = 0 & \text{اگر } c_i < k \end{array} \right.$$

پس از شناسایی افراد فقیر، می‌توان شاخص فقر چند بعدی را از طریق میانگین ماتریس محرومیت حذفی یا همچنین از تقسیم

مشخص کرد. این ویژگی ترکیب فقر چند بعدی را نشان می‌دهد. بدین منظور می‌توان شاخص فقر چند بعدی را از جمع وزنی نسبت سرشمار پنهانی در هر زیرشاخص به دست آورد. نسبت سرشمار پنهانی هر زیرشاخص خاص نیز از تقسیم مجموع افراد فقیری که در آن زیرشاخص محروم هستند بر کل جمعیت به دست می‌آید. علاوه بر این، می‌توان سهم درصدی هر زیرشاخص به شاخص فقر کل را محاسبه کرد. در صورتی که سهم افراد فقیر از شاخص خاصی به طور گسترده‌ای بیشتر از وزن آن باشد، این امر نشان می‌دهد که محرومیت نسبی بالا در این شاخص در کشور وجود دارد. افراد فقیر در این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر محروم‌تر هستند. مجموع سهم تمامی شاخص‌ها برابر ۱۰۰ درصد است.

۴-۲- تغییرات طی دوره زمانی

برای بررسی میزان تغییرات در نسبت سرشمار چند بعدی، میانگین محرومیت و همچنین شاخص فقر چند بعدی می‌توان از تغییرات مطلق و نسبی استفاده کرد. میزان تغییرات مطلق به صورت تفاوت در سطوح بین دو دوره و تغییرات نسبی به صورت تفاوت بین سطوح دو دوره به عنوان درصدی از دوره اولیه به دست می‌آید. بر اساس رابطه (۵)، تغییرات مطلق شاخص فقر چند بعدی طی دوره t^1 و t^2 برابر است با:

(۵)

$$\Delta MPI = MPI(X_{t^2}) - MPI(X_{t^1})$$

و به‌طور مشابه برای تغییرات مطلق در نسبت سرشمار و میانگین محرومیت می‌توان از روابط (۶) و (۷) استفاده کرد:

(۶)

$$\Delta H = H(X_{t^2}) - H(X_{t^1})$$

(۷)

$$\Delta A = A(X_{t^2}) - A(X_{t^1})$$

تغییرات نسبی شاخص فقر چند بعدی نیز به صورت رابطه (۸) به دست می‌آید:

(۸)

$$\delta MPI = \frac{MPI(X_{t^2}) - MPI(X_{t^1})}{MPI(X_{t^1})}$$

تغییرات نسبی نسبت سرشمار و میانگین محرومیت نیز به‌طور مشابه به دست می‌آیند.

جمع وزنی افراد فقیر بر تعداد جمعیت کل در ابعاد مورد نظر طبق رابطه (۳) به دست آورد:

(۳)

$$MPI = \mu(c(k)) = \frac{1}{n} \times \sum_{i=1}^n c_i(k)$$

۴-۱- وسعت و شدت فقر

می‌توان شاخص فقر چند بعدی را از ترکیب وسعت و شدت فقر نیز به دست آورد. نسبت سرشمار چند بعدی H که به صورت نسبت افراد فقیر به کل جمعیت تعریف می‌شود و وسعت فقر را نشان می‌دهد و شدت فقر A ، میانگین میزان محرومیت افراد فقیر است. در این صورت شاخص فقر چند بعدی (MPI) از رابطه (۴) به دست می‌آید:

(۴)

$$MPI = H \times A = \frac{q}{n} \times \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0$$

در این رابطه، q تعداد افراد فقیر، n کل جمعیت و $c_i(k)$ میزان محرومیت پنهانی فرد i است. از آنجایی که شاخص فقر چند بعدی حاوی اطلاعاتی است که وسعت و شدت فقر را نشان می‌دهد به آن نسبت سرشمار تعدیل شده (M_0) نیز گفته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم شاخص فقر چند بعدی این است که می‌توان آن را برای زیرگروه‌های جمعیتی مانند مناطق طراحی کرد. در این صورت اگر دو زیرگروه جمعیت شهری و جمعیت روستایی داشته باشیم شاخص فقر چند بعدی کل از جمع وزنی شاخص‌های فقر چند بعدی زیرگروه‌های جمعیتی به دست می‌آید. در این صورت، وزن‌ها نسبت جمعیت زیرگروه مورد نظر به جمعیت کل است (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱: ۴۸۰). سهم اثرگذاری فقر هر زیرگروه جمعیتی در شاخص فقر چند بعدی کل نیز با استفاده نسبت وزنی شاخص فقر چند بعدی آن زیرگروه به شاخص فقر چند بعدی کل به دست می‌آید. بر این اساس، اگر اثرگذاری گروه مورد نظر در شاخص فقر کل از نسبت جمعیت گروه به کل کشور یا استان مورد نظر بیشتر باشد، در این صورت میزان فقر گروه مذکور از متوسط کل بیشتر خواهد بود (آلکایر و همکاران، ۲۰۱۱: ۶).

علاوه بر این، می‌توان پس از محاسبه شاخص، سهم هر یک از ابعاد و زیرشاخص‌ها را در مقدار شاخص فقر چند بعدی

۳-۴- روش شناسی محاسبه شاخص چند بعدی فقر در ایران

برای محاسبه شاخص چند بعدی فقر در ایران از داده‌های خام هزینه و درآمد خانوار که در فاصله سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده، استفاده شده است. داده‌های هزینه و درآمد خانوار در این سال‌ها شامل ۷۱۰۲۷۱ نفر در قالب ۱۶۰۳۲۹ خانوار می‌باشد که ۳۴۰۷۹۸ نفر آن در مناطق شهری و ۳۶۹۴۷۳ نفر آن در مناطق روستایی هستند. این نکته قابل ذکر است که افرادی که فاقد تمامی اطلاعات در تمامی ابعاد بودند حذف شدند.

در این مجموعه داده‌های خام، اطلاعات مربوط به دو بعد آموزش و استانداردهای زندگی موجود می‌باشد. هشت زیرشاخص موجود این دو بعد عبارتند از: سال‌های تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، برق، حمام، آب، مصالح بنا، سوخت پخت و پز و تملک دارایی.

در بعد آموزش و زیرشاخص سال‌های تحصیل اگر در خانواری حداقل یک نفر دارای پنج سال تحصیل باشد تمامی اعضای خانوار غیرمحرور در نظر گرفته شدند. از این‌رو، افرادی که تحصیلات خود را در سطح پایه پنجم نهضت سوادآموزی تمام نکرده باشند و همچنین افرادی که وضعیت گواهی‌نامه آنها مشخص نباشد محروم در نظر گرفته شدند. علاوه بر این افرادی که دارای تحصیلات غیررسمی هستند در این

زیرشاخص محروم هستند. در زیرشاخص حضور فرزند در مدرسه اگر فرزندی که در سنین مدرسه (فرزندان ۷ الی ۱۵ سال) قرار دارند در کلاس‌های اول تا هشتم در مدرسه حضور نیافته باشند تمام اعضای خانواده محروم در نظر گرفته شدند. در بعد استانداردهای زندگی، برای زیرشاخص برق عدم دسترسی به برق و برای زیرشاخص محیط مناسب بهداشتی، عدم دسترسی به حمام ملاک محرومیت در نظر گرفته شدند. در زیرشاخص سوخت پخت و پز، اگر سوخت پخت و پز خانوار از هیزم و زغال، سوخت حیوانی و زغال سنگ باشد خانوار محروم در نظر گرفته شده است. در زیرشاخص کفپوش خانه، مصالح عمده بنای محل سکونت در نظر گرفته شد. اگر بنای ساختمان از خشت و چوب یا خشت و گل باشد خانوار در این زیرشاخص محروم است. در رابطه با تملک دارایی اگر خانوار از بین رادیو، تلویزیون، تلفن، یخچال، دوچرخه و موتور دو دارایی داشته باشد محروم نیست. علاوه بر این، اگر خانوار ماشین یا کامیون داشته باشد در صورتی که هیچ یک از دارایی‌های مذکور (رادیو، تلویزیون، تلفن، یخچال، دوچرخه و موتور) را نداشته باشد محروم در نظر گرفته نمی‌شود.

در محاسبه شاخص فقر چند بعدی باید از اطلاعات جمع‌آوری شده از یک پرسشنامه استفاده کرد. بنابراین اگر اطلاعات زیرشاخصی در دسترس نباشد می‌توان اطلاعات متناسب دیگری را جایگزین کرد.

جدول ۲. ابعاد، زیرشاخص‌ها، آستانه‌های محرومیت و وزن‌ها برای محاسبه شاخص فقر چند بعدی ایران

وزن	محروم است اگر...	زیرشاخص‌ها	ابعاد
۱/۶	هیچ یک از اعضای خانواده ۵ سال تحصیل را به اتمام نرسانده باشد.	سال‌های تحصیل	آموزش
۱/۶	هیچ یک از فرزندان در سن مدرسه، در سال‌های ۱ تا ۸ در مدرسه حضور نداشته باشد.	حضور فرزند در مدرسه	آموزش
۱/۳	اعضای خانوار بیمه درمانی نداشته باشند.	بیمه درمانی	سلامت
۱/۱۸	عدم دسترسی به برق	برق	استاندارد زندگی
۱/۱۸	عدم دسترسی به حمام	حمام	
۱/۱۸	عدم دسترسی به آب لوله‌کشی	آب	
۱/۱۸	مصالح بنای ساختمان از خشت و چوب یا خشت و گل باشد.	مصالح بنا	
۱/۱۸	سوخت پخت و پز خانوار هیزم و زغال، سوخت حیوانی و زغال سنگ باشد.	سوخت پخت و پز	
۱/۱۸	خانوار حداکثر یکی از دارایی‌های زیر را در تملک خود داشته باشد: رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتور، یخچال و ماشین یا کامیون نداشته باشد.	تملك دارایی	

مأخذ: تدوین تحقیق

سلامت عمومی یا خصوصی و همچنین خدمات درمانی جایگزین شده است. از آنجایی که در داده‌های خام هزینه و درآمد خانوار ایران نیز اطلاعات مربوط به بعد سلامت و دو زیرشاخص مرگ و میر کودکان و تغذیه موجود نیست، از این‌رو برای بررسی محرومیت خانوار در این بعد دسترسی به بیمه

به عنوان مثال در کلمبیا به دلیل فقدان اطلاعات مربوط به تغذیه و مرگ و میر کودکان، زیرشاخص بیمه سلامت جایگزین این دو زیرشاخص شده است. در این صورت اگر فرد به خدمات بیمه سلامت دسترسی نداشته باشد محروم در نظر گرفته شده است. همچنین در مکزیک دسترسی به بیمه

و به‌ویژه در زیرشاخص سوخت، جانشین نمودن بیشترین مقدار از گاز طبیعی به جای فراورده‌های نفتی و سایر سوخت‌های انرژی‌زا و توزیع گاز به ترتیب برای مصارف نیروگاه‌ها، صنایع، تجاری و خانگی با اولویت مناطق پرمصرف کشور، مناطق سردسیر و نواحی نزدیک مورد توجه قرار گرفته است. در بعد سلامت و زیرشاخص بیمه درمانی نیز تلاش در جهت تأمین قسط اسلامی و عدالت اجتماعی از طریق تعمیم بیمه‌های اجتماعی با اولویت روستائیان، عشایر و گروه‌های آسیب‌پذیر بیان شده است.

در برنامه دوم توسعه به منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها در طول برنامه، اقداماتی از جمله انجام طرح‌های عمرانی در زمینه برق‌رسانی، بهداشت و آبرسانی، فضاهای آموزشی در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه تمام برنامه اول در دستور کار قرار گرفته است. توسعه فعالیت‌های تولیدی و اشتغال و خود اشتغالی در روستاهای محروم از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود مورد انتظار بانک در امور آب، مسکن و امور اجتماعی و پیش‌بینی آنها در بودجه سنواتی و همچنین رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم و در نهایت احداث فضاهای چند منظوره فرهنگی، آموزشی، تربیتی، هنری و ورزشی در مراکز جمعیتی نقاط محروم کشور از دیگر موارد است. در برنامه دوم توسعه دولت موظف شده است تمهیدات لازم را برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی فراهم آورد. از خط مشی‌های اساسی برنامه دوم توسعه تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی بوده است. بدین منظور تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله تأمین منابع از محل بودجه عمومی به‌منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند، زنان و کودکان بی‌سرپرست و معلولین، توسعه بیمه‌های اجتماعی و قرار دادن همه اقشار مردم تحت پوشش بیمه خدمات درمانی تا آخر برنامه دوم و پرداخت سهم سرانه دولت مطابق ضوابط قانون بیمه خدمات درمانی در دستور کار قرار گرفته است. علاوه بر این، عنایت به مناطق محروم و روستاها با اولویت اشتغال، بهداشت و آموزش، تولید و عمران و همچنین تحت پوشش قرار دادن کلیه کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم و تقویت آموزش‌های عمومی، تأمین بهداشت عمومی و گسترش بیمه همگانی منظور شده است. علاوه بر این، سعی در جهت‌دهی و هدایت سهم عمده منابع مالی به

درمانی جایگزین این دو زیرشاخص گردید. بنابراین در مجموع برای محاسبه شاخص فقر چند بعدی در ایران از ۹ زیرشاخص سال‌های تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، دسترسی به بیمه درمانی، دسترسی به برق، دسترسی به حمام، دسترسی به آب، مصالح بنای ساختمان، دسترسی به سوخت پخت و پز و تملک دارایی در نظر گرفته شدند. جدول ۲، جزئیات ابعاد، زیرشاخص‌ها و وزن‌های مربوط به هر یک از آنها را که در محاسبه شاخص فقر چند بعدی ایران در نظر گرفته شدند نشان می‌دهد.

۴-۴- برنامه‌های پنج ساله توسعه

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در قالب برنامه‌های توسعه، اهدافی نظیر تحقق عدالت اجتماعی از طریق کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد را مدنظر قرار داده‌اند. برخی مواد قانونی این برنامه‌ها به‌طور مستقیم ابعاد و زیرشاخص‌های شاخص فقر چند بعدی را مورد هدف قرار داده‌اند و در برخی مواد قانونی اجرای برنامه به‌طور غیر مستقیم سبب بهبود وضعیت زیرشاخص‌ها شده است. در بررسی حاضر، عملکرد برنامه‌های پنج ساله توسعه (اول، دوم و سوم، چهارم و پنجم پس از انقلاب) در کاهش فقر چند بعدی، مورد بازبینی قرار گرفته است.

از برنامه اول توسعه به بعد آموزش، سلامت و همچنین استانداردهای زندگی توجه شده است. در تبصره ۶ برنامه و در بند «ح» آن تحت پوشش آموزش قرار دادن کلیه افراد واجبات‌التعلیم در بخش‌های محروم و همچنین ایجاد و گسترش مدارس شبانه‌روزی در مقاطع مختلف و مدارس بیان شده است. در تبصره ۱۴ نیز دولت موظف شده است اقدامات لازم جهت تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را به عمل آورد. علاوه بر این در بند خط مشی‌ها، گسترش کمی و ارتقاء کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان از طریق فراهم آوردن مقدمات و زمینه لازم برای طراحی تفصیلی و اجرای نظام جدید آموزش و پرورش و همچنین ایجاد امکانات آموزشی لازم برای تمامی کودکان لازم‌التعلیم و توسعه فضای آموزشی متناسب با رشد دانش‌آموز و ایجاد امکانات آموزشی و پرورشی لازم و تربیت نیروهای کافی برای تمامی مقاطع به ویژه کودکان لازم‌التعلیم با اولویت روستاها و در نهایت اولویت دادن به ریشه‌کنی بی‌سوادی در اقشار مولد ذکر شده است. در بعد استاندارد زندگی

خدمات بیمه‌ای بر اساس توافق بیمه‌شدگان و بیمه‌گر و با تعهد پرداخت هزینه توسط بیمه شده فعالیت نموده و گسترش می‌یابد.

در این مجموعه برنامه به منظور عمران شهری و توسعه و عمران روستایی و بر اساس ماده ۱۳۷، دولت موظف شده است همه ساله اعتبارات خاصی را پیش‌بینی نماید تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند، اجرای این ماده سبب بهبود وضعیت خانوارها در ابعاد آموزش و استاندارد زندگی می‌شود.

در برنامه چهارم توسعه و بر اساس ماده ۵۲، در بعد آموزش دولت موظف شده است به‌منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی اقدام‌هایی را به انجام برساند. از آن جمله، توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه و اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند به‌طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد و علاوه بر تأمین اعتبارات عمومی بخش آموزش، نسبت به اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور توسعه استقلال مالی، مدیریتی و اجرایی واحدهای آموزشی (مدارس)، در جهت استفاده هر چه بیشتر از سرمایه و توان اجرایی بخش غیردولتی، در توسعه ظرفیت‌ها و ارتقاء بهره‌وری آنها اقدام نماید. علاوه بر این، تدوین و اجرای طرح راهبردی سوادآموزی کشور، با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور با رویکرد جلب مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی به‌طوری که تا پایان برنامه چهارم، باسودی افراد حداقل زیر سی سال به طور کامل تحقق یابد. همچنین، به‌منظور بهبود بعد آموزش و برای رفع محرومیت آموزشی فراهم کردن امکانات مناسب از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی، روستا مرکزی و خوابگاه‌های مرکزی، آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین تغذیه، آمد و شد و بهداشت دانش‌آموزان و سایر هزینه‌های مربوط به مدارس شبانه‌روزی و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت و تهیه و اجرای برنامه‌های لازم برای گسترش آموزش پیش‌دبستانی و آمادگی به‌ویژه در مناطق دوزبانه در دستور کار قرار گرفته است. در ارتباط با بعد سلامت در ماده ۹۱، به‌منظور افزایش

بخش‌های اجتماعی شامل آموزش عمومی، بهداشت و درمان و سایر موارد نیز در دستور کار قرار گرفته است. علاوه بر این، در برنامه دوم توسعه به منظور ارتقای زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی به منظور تشویق مردم برای وصل انشعابات فاضلاب اماکن مسکونی، سالیانه مبلغی به عنوان تسهیلات بانکی با صرف حداقل کارمزد، از طریق بانک‌ها تخصیص می‌یابد تا با معرفی شرکت‌های آب و فاضلاب استان‌ها به متقاضیان پرداخت گردد. همچنین دولت موظف شده است حداکثر تا پایان برنامه دوم توسعه روستاهای استان‌های گرمسیری را برق‌رسانی و شهرهای سردسیر و روستاهای تا شعاع پنج کیلومتری خط انتقال را گاز رسانی نماید. در برنامه سوم توسعه به منظور ارتقای زیرشاخص‌های بعد آموزش چنانچه در ماده ۱۴۳ آمده است، دولت موظف شده است به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام نماید که تبعیض بین مناطق شهری و روستایی نباشد و برای ورود دانش‌آموزان از ابتدائی به راهنمایی و متوسطه امکانات لازم فراهم گردد. همچنین هزینه تغذیه شبانه‌روزی دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی و سرویس ایاب و ذهاب هر هفته یک بار آنها به روستاها و مدارس و سایر هزینه‌های لازم در بودجه‌های سنواتی دیده شود.

در برنامه سوم توسعه و بر اساس ماده ۳۶، به منظور توسعه عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی و نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه‌ای و غیر آن (حمایتی و امدادی) حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند. بر اساس ماده ۳۷ این برنامه فعالیت‌های بیمه‌ای در دو بخش همگانی و مکمل انجام می‌شود، به طوری که خدمات بیمه همگانی که با مشارکت بیمه شده، کارفرما (در صورت وجود کارفرما) و دولت (حسب تکالیف قانونی آن) تأمین می‌گردد شامل بیمه درمان، بازنشستگی، از کارافتادگی، بازماندگان و بیکاری است که کلیه بیمه‌شدگان از آن بهره‌مند خواهند شد. در بخش مکمل، بیمه‌های تأمین اجتماعی شامل خدماتی است که سطح بالاتری از خدمات بیمه همگانی را در بر می‌گیرد یا خدمات جدیدی را ارائه می‌کند یا هزینه بیشتری نسبت به تعهد بیمه همگانی تأمین می‌نماید. این بخش از

در برنامه پنجم توسعه و بر اساس ماده ۱۹، وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام نماید.

در بعد سلامت و زیرشاخص بیمه بر اساس ماده ۳۸، این طور آمده است که لازم است به‌منظور توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت، دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به سی درصد در طول برنامه اقداماتی انجام شود. بدین منظور دولت مکلف شده است ساز و کارهای لازم برای بیمه همگانی و اجباری پایه سلامت را تا پایان سال اول برنامه تعیین و ابلاغ نموده و زمینه‌های لازم را برای تحت پوشش قرار دادن آحاد جامعه فراهم نماید. همچنین بر اساس ماده ۴۲، دولت مجاز است خانواده‌هایی را که سرپرست آنها تحت پوشش هیچ‌گونه بیمه‌ای نیست، تحت پوشش مقررات عام تأمین اجتماعی قرار دهد.

در بعد استاندارد زندگی و بر اساس ماده ۱۷۱، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف است نسبت به احصاء مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافت‌های فرسوده و دسته‌بندی طرح‌های واقع در این مناطق، اقدام نماید. همچنین، دستگاه‌های اجرائی ذی ربط موظفند به منظور افزایش بهره‌وری و استحصال زمین نسبت به احیاء بافت‌های فرسوده و نامناسب روستایی اقدام نمایند. وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها نیز موظفند با اعمال سیاست‌های تشویقی و در چارچوب قانون حمایت از احیاء بافت‌های فرسوده از اقدامات بخش غیردولتی برای احیاء و بازسازی بافت‌های فرسوده در قالب بودجه مصوب حمایت نمایند. علاوه بر این، وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظفند هر سال در طول برنامه حداقل ده درصد (۱۰٪) از بافت‌های فرسوده شهری را احیاء و بازسازی نمایند. در جهت توسعه روستایی و بر اساس ماده ۱۹۴، دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستائیان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را به‌عمل آورد. بدین منظور، ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و

اثربخش نظام ارائه خدمات سلامت در کشور و تقویت و توسعه نظام بیمه خدمات درمانی، اقداماتی منظور شده است. اول آنکه کلیه شرکت‌های بیمه تجاری و غیرتجاری صرفاً با رعایت قوانین و مقررات شورای عالی بیمه خدمات درمانی مجاز به ارائه خدمات بیمه پایه و مکمل می‌باشند. دوم آنکه تا پایان برنامه چهارم شورای عالی بیمه خدمات درمانی تمهیدات لازم جهت استقرار بیمه سلامت با محوریت پزشکی خانواده و نظام ارجاع را فراهم نماید. در نهایت به‌منظور تعمیم عدالت در بهره‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی، خدمات بیمه پایه درمانی روستائیان عشایری، معادل مناطق شهری تعریف و اجرا می‌شود. علاوه بر این، بر اساس ماده ۹۶، دولت مکلف شده است با توجه به استقرار سازمانی نظام جامع تأمین اجتماعی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ پوشش جمعیتی، خدمات و حمایت‌های مالی مورد نظر در اصل بیست و نهم (۲۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، از طریق فعالیت‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی به‌صورت تدریجی افزایش و به اجرا بگذارد. در این ماده قانونی، افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستائیان و عشایر و شاغلین شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند منظور شده است، به‌نحوی که برنامه بیمه‌های اجتماعی روستائیان و عشایر، با مشارکت دولت و روستائیان و عشایر پس از تهیه و تصویب دولت از سال دوم برنامه چهارم، به اجرا گذاشته شود. علاوه بر این، پوشش کامل (صد درصد) جمعیتی از بیمه همگانی پایه خدمات درمانی در دستور کار قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۳۰، در بعد استاندارد زندگی و به‌ویژه نوع اسکلت بنای ساختمان، دولت موظف شده است به‌منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام‌بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها، اقداماتی را در بخش‌های عمران شهری و روستایی و مسکن به‌عمل آورد که از جمله آن می‌توان به ارتقای شاخص‌های جمعیت تحت پوشش شبکه آب شهری و فاضلاب، احیاء بافت‌های فرسوده و نامناسب شهری، ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و شهرها، ارتقای شاخص بهسازی مسکن روستایی، دادن کمک‌های اعتباری و فنی برای بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و حمایت از ایجاد کارگاه‌های تولید و عرضه مصالح ساختمانی و عرضه‌کنندگان خدمات فنی اشاره کرد.

۵- تحلیل یافته‌ها

شاخص فقر چند بعدی ایران در سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی و برای ۹ زیرشاخص سال‌های تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، دسترسی به بیمه درمانی، دسترسی به برق، دسترسی به حمام، دسترسی به آب، مصالح بنای ساختمان، دسترسی به سوخت مناسب پخت و پز و تملک دارایی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ برای مناطق شهری و روستایی محاسبه شده است. در جدول ۳، نسبت سرشمار چند بعدی (H) یا وسعت فقر و میانگین محرومیت افراد فقیر (A) یا شدت فقر و همچنین شاخص فقر چند بعدی (MPI) ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ آورده شده است.

محلی و تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس «از شهر به روستا» و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه در دستور کار قرار گرفته است. علاوه بر این، بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی و ارتقای شاخص‌های توسعه عشایر از طریق اسکان و ساماندهی منظور شده است. در نهایت در جهت توسعه روستایی تعمیم و گسترش بیمه روستایی و پوشش صددرصد آن از طریق تقویت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر در دستور کار قرار گرفته است.

جدول ۳. حجم نمونه، نسبت سرشمار چند بعدی (H)، میانگین محرومیت (A) افراد فقیر، شاخص فقر چند بعدی (MPI) و تغییرات مطلق و نسبی در نسبت سرشمار چند بعدی، میانگین محرومیت افراد فقیر و شاخص فقر چند بعدی

سال محاسبه	حجم نمونه	نسبت سرشمار چند بعدی (H)	میانگین محرومیت (A)	تغییرات در H		تغییرات در A		تغییرات در MPI	
				مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی
۶۸	۶۳۷۸۳	۶۵/۲۵	۵۸/۹	-	-	-	-	-	-
۷۳	۱۰۴۳۷۰	۴۳/۸۳	۵۱/۵۷	-۲۱/۴۲	-۳۲/۸۳	-۷/۳۳	-۱۲/۴۴	-۰/۱۶۶۴	-۴۱/۶۵
۷۸	۱۳۹۸۴۱	۴۳/۶۱	۵۲/۱۷	-۰/۲۲	-۰/۵۰	۰/۶	۱/۱۶	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۹
۸۳	۱۱۲۷۷۴	۳۳/۸۵	۴۸/۶۳	-۹/۷۶	-۲۲/۳۸	-۳/۵۴	-۶/۷۹	-۰/۰۶۸۲	-۲۹/۱۱
۸۸	۱۵۰۴۷۰	۷/۴۸	۴۹/۶۹	-۲۶/۳۷	-۷۷/۹۰	۱/۰۶	۲/۱۸	-۰/۱۲۹	-۷۷/۶۶
۹۳	۱۳۹۰۳۳	۴/۶۶	۴۸/۸۷	-۲/۸۲	-۳۷/۷۰	-۰/۸۲	-۱/۶۵	-۰/۰۱۴۳	-۳۸/۵۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. نسبت سرشمار چند بعدی (H)، میانگین محرومیت (A)، شاخص فقر چند بعدی (MPI)، سهم جمعیت هر گروه به جمعیت کل و سهم هر گروه در شاخص فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳

روستایی	شهری	۶۸		۷۳		۷۸		۸۳		۸۸		۹۳	
		روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
		۳۹/۲۶	۸۸/۹۳	۲۴/۴۳	۷۴	۱۹/۴۳	۶۴/۵۱	۱۳/۲۱	۵۲/۴۲	۸/۳۵	۶/۵۹	۴/۵۵	۴/۷۷
		۵۱/۴۸	۶۵/۶۶	۴۸/۷۷	۵۵/۹۲	۴۸/۹۲	۵۴/۹۸	۴۷/۸۱	۴۹/۳۶	۴۹/۳۵	۵۰/۰۴	۴۸/۳۱	۴۹/۴۱
		۰/۲۰۲	۰/۵۸۴	-۱/۱۱۹	-۰/۴۱۳	-۰/۹۵	-۰/۳۵۴	-۰/۰۶۳	-۰/۲۵۸	-۰/۰۴۱	-۰/۰۳۳	-۰/۰۲۲	-۰/۰۲۳
		۴۷/۶۷	۵۲/۳۳	۶۰/۸۶	۳۹/۱۴	۴۶/۳۶	۵۳/۶۴	۴۷/۳۶	۵۲/۶۴	۵۰/۳۶	۴۹/۲۷	۴۹/۳۹	۵۰/۶۱
		۲۳/۹۷	۷۶/۰۳	۳۰/۹۲	۶۹/۰۸	۱۸/۸۱	۸۱/۱۹	۱۸/۰۱	۸۱/۹۹	۵۶/۱۷	۴۳/۸۳	۴۷/۶۷	۵۲/۳۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶۸ به رقم ۴۸ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است. شاخص فقر چند بعدی نیز در مقایسه با سال ۶۸ با رقم ۰/۴ کاهش چشمگیری داشته و در سال ۹۳ به ۰/۰۲ رسیده است. بر اساس

بر اساس جدول ۳، نسبت سرشمار (وسعت فقر) از سال ۶۸ با رقم ۶۵٪ به ۴ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است. میانگین محرومیت افراد فقیر یا شدت فقر نیز با رقم ۵۸ درصد در سال

در سال‌های ۶۸، ۷۳، ۷۸ و ۸۳ سهم مناطق روستایی در شاخص فقر چند بعدی از سهم جمعیتی این مناطق بیشتر است. اما در سال ۸۸ و ۹۳ این سهم در مناطق شهری بیشتر است. شایان ذکر است، در صورتی که سهم افراد فقیر از شاخص خاصی به طور گسترده‌ای بیشتر از وزن آن باشد، این امر نشان می‌دهد که محرومیت نسبی بالا در این شاخص در کشور وجود دارد. بدین معنی که افراد فقیر در این شاخص نسبت به زیرشاخص‌های دیگر محروم‌تر هستند. بر اساس جداول ۵ و ۶ طی سال‌های ۶۸، ۷۳، ۷۸ و ۸۳ زیرشاخص بیمه در بعد سلامت و همچنین زیرشاخص حمام در بعد استاندارد زندگی دارای این ویژگی هستند و سهم بیشتری از شاخص فقر چند بعدی را در مقایسه با وزن خود در هر دو مناطق شهری و روستایی به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۶۸ و ۷۳ زیرشاخص مصالح بنا نیز در مناطق روستایی تا حدودی دارای این ویژگی است. در سال‌های ۸۸ و ۹۳ زیرشاخص سال‌های تحصیل و بیمه دارای سهم بیشتری در مقایسه با وزن خود هستند. این نتیجه با یافته‌های بتانا (۲۰۰۸)، باتیستون و همکاران (۲۰۰۹) و شیروانیان و بخشوده (۲۰۱۲) مبنی بر اینکه در بین زیرشاخص‌ها، زیرشاخص‌های بعد آموزش و زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی بیشترین سهم را در ایجاد فقر دارند سازگار است.

نتایج جدول (۳) در مقایسه با مطالعه حسن‌زاده (۱۳۹۲) نشان داد که در مطالعه مذکور نرخ فقر چند بعدی در کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۶۳ روندی کاهشی داشته است و بیشترین نرخ فقر مربوط به سال ۱۳۶۸ بوده است که به لحاظ روند کاهشی فقر چند بعدی و همچنین بیشترین میزان فقر چند بعدی مطابق با نتیجه مطالعه فعلی می‌باشد.

در جدول ۴ نیز نسبت سرشمار چند بعدی (H)، میانگین محرومیت (A)، شاخص فقر چند بعدی (MPI)، سهم جمعیت هر گروه به جمعیت کل و سهم هر گروه در شاخص فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۸ آورده شده است. بر اساس جدول ۴، نسبت سرشمار در سال‌های ۶۸، ۷۳، ۷۸، ۸۳ و ۹۳ در مناطق روستایی از نسبت سرشمار در مناطق شهری بیشتر است. این نتیجه با یافته‌های بتانا (۲۰۰۸) سازگار است، بدین معنی است که در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری افراد فقیر بیشتری شناسایی شده‌اند. در سال ۸۸ این نسبت در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. عمق فقر در تمامی سال‌ها در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. بدین معنی که افراد در ابعاد بیشتری محروم هستند. چنانچه بیان شد، اگر اثرگذاری گروه مورد نظر در شاخص فقر کل از نسبت جمعیت گروه به کل کشور یا استان مورد نظر بیشتر باشد، در این صورت میزان فقر گروه مذکور از متوسط کل بیشتر خواهد بود.

جدول ۵. نسبت سرشمار پنهانی و سهم هر یک از ابعاد در MPI در مناطق شهری طی ۱۳۶۸-۱۳۹۳

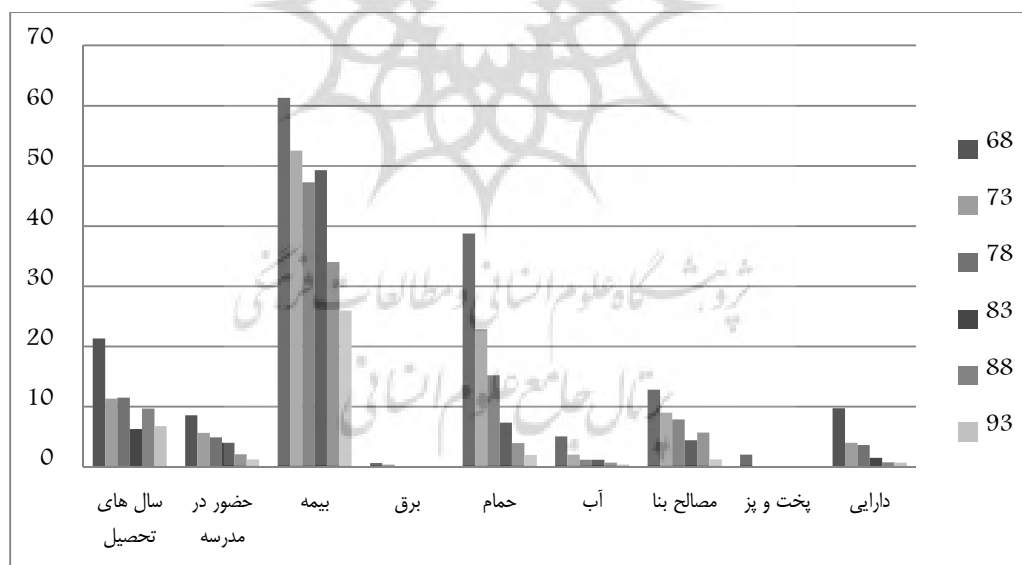
شهری	۶۸		۷۳		۷۸		۸۳		۸۸		۹۳	
	سرشمار	سهم	سرشمار	سهم	سرشمار	سهم	سرشمار	سهم	سرشمار	سهم	سرشمار	سهم
سال‌های تحصیل	۱۷/۹۴	۱۴/۷۹	۹/۱۹	۱۲/۸۵	۸/۴۱	۱۴/۷۵	۴/۵۹	۱۲/۱۰	۵/۳۰	۲۱/۴۲	۲/۸۱	۲۱/۲۹
حضور در مدرسه	۷/۰۶	۵/۸۳	۴/۰۷	۵/۶۹	۳/۴۰	۵/۹۶	۳	۷/۹۳	۱/۲۱	۴/۹۰	۰/۵۸	۴/۳۸
بیمه	۳۹/۰۶	۶۴/۴۲	۲۴/۴۰	۶۸/۲۶	۱۹/۳۵	۶۷/۸۵	۱۳/۲۱	۶۹/۷۲	۸/۳۱	۶۷/۱۹	۴/۵۴	۶۸/۸۴
برق	۰/۵۸	۰/۱۶	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰	۰
حمام	۲۹/۱۷	۸/۰۲	۱۶/۴۰	۷/۶۵	۱۰/۶۴	۶/۲۱	۶/۱۰	۵/۳۷	۱/۷۷	۲/۳۹	۰/۶۲	۱/۵۷
آب	۴/۳۷	۱/۲۰	۱/۶۷	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۵	۰/۹۷	۰/۸۶	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۱۲	۰/۳۱
مصالح بنا	۹/۸۱	۲/۷۰	۶/۲۸	۲/۹۳	۴/۷۷	۲/۷۹	۳/۱۶	۲/۷۸	۲/۳۰	۳/۱۰	۱/۱۸	۲/۹۹
پخت و پز	۱/۸۴	۰/۵۱	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳
تملك دارایی	۸/۶۷	۲/۳۸	۳/۶۲	۱/۶۹	۳/۱۶	۱/۸۵	۱/۳۶	۱/۲۰	۰/۴۵	۰/۶۱	۰/۲۴	۰/۶۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶. نسبت سرشمار پنهانی و سهم هر یک از ابعاد در MPI در مناطق روستایی طی ۱۳۶۸-۱۳۹۳

سهم	۹۳		۸۸		۸۳		۷۸		۷۳		۶۸		
	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	سرشمار پنهانی	سهم هر بعد	
سال‌های تحصیل	۳/۱۵	۲۲/۳۲	۲۱/۴۳	۴/۲۴	۷/۳۱	۱۱/۳۵	۱۲/۰۳	۲۵/۵۹	۱۰/۷۵	۲۶/۶۹	۱۴/۰۶	۴۹/۲۵	
حضور در مدرسه	۰/۴۳	۳/۰۴	۷/۴۱	۱/۴۷	۷/۸۶	۱۲/۲۰	۷/۹۱	۱۶/۸۳	۵/۴۸	۱۳/۶۱	۷/۸۶	۲۷/۵۴	
بیمه	۴/۶۸	۶۶/۲۲	۵۶/۶۲	۵/۶۰	۶۷/۳۸	۵۲/۳۰	۵۹/۹۷	۶۳/۸۰	۵۹/۴۷	۷۳/۸۲	۵۰/۵۰	۸۸/۴۷	
برق	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۵۶	۰/۳۳	۰/۳۷	۱/۷۴	۰/۸۲	۵/۳۴	۲/۱۵	۱۶/۰۱	۲/۷۵	۲۸/۸۷	
حمام	۰/۸۷	۲/۰۶	۵/۰۳	۲/۹۹	۷/۶۶	۳۵/۶۷	۸/۲۹	۵۲/۹۴	۸/۸۶	۶۵/۹۷	۷/۹۲	۸۳/۲۴	
آب	۰/۶۲	۱/۴۵	۱/۷۹	۱/۰۷	۲/۲۴	۱۰/۴۱	۲/۴۷	۱۵/۷۹	۳/۵۴	۲۶/۳۳	۴/۰۳	۴۲/۴۰	
مصالح بنا	۱/۸۰	۴/۲۶	۴/۷۸	۲/۸۴	۴/۸۶	۲۲/۶۵	۴/۷۲	۳۰/۱۱	۵/۲۶	۳۹/۱۵	۵/۱۶	۵۴/۲۵	
پخت و پز	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۶۹	۰/۴۱	۰/۶۵	۳	۰/۹۷	۶/۱۸	۰/۹۵	۷/۰۴	۳/۲۲	۳۳/۸۴	
تملك دارایی	۰/۲۴	۰/۵۷	۱/۶۸	۱	۱/۶۷	۷/۷۷	۲/۸۳	۱۸/۰۳	۳/۵۵	۲۶/۴۷	۴/۵۰	۴۷/۲۸	

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۲. میزان محرومیت در هر یک از ابعاد در مناطق شهری طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳

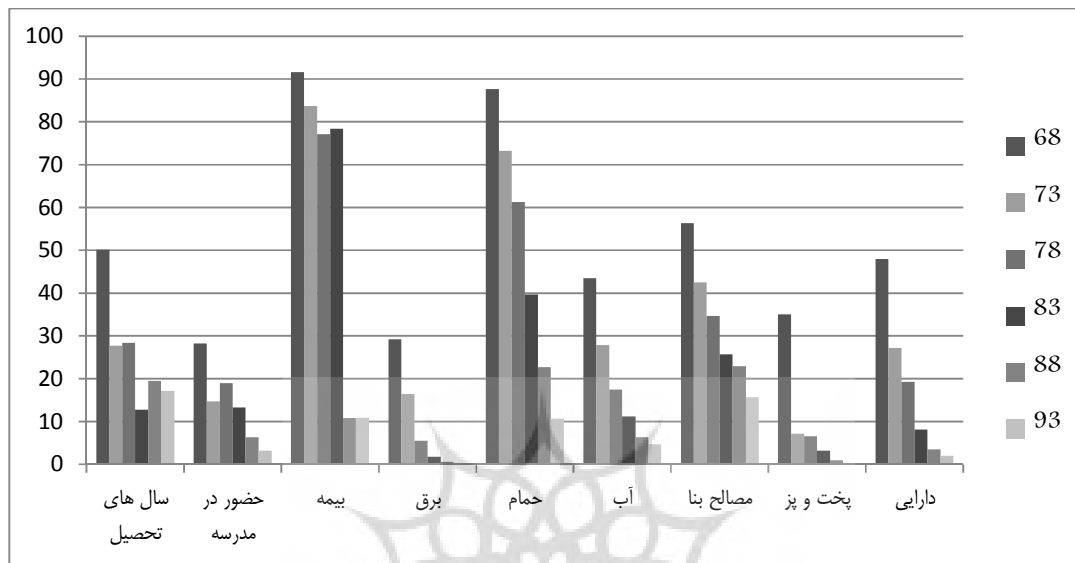
مأخذ: یافته‌های تحقیق

چشمگیری داشته است. در زیرشاخص مصالح بنا نیز در سال ۸۳ شاهد افزایش تعداد افراد محروم در مقایسه با سال قبل از آن هستیم. همان‌طور که در نمودار ۳ نشان داده شده است، در مناطق روستایی تعداد افراد محروم در ابعاد مختلف روند کاهشی داشته است.

در بعد آموزش و زیرشاخص سال‌های تحصیل در سال ۸۸ در مقایسه با سال قبل از آن افزایش یافته است. در بعد سلامت

در نمودارهای ۲ و ۳ میزان نسبت سرشمار در هر یک از ابعاد طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ نشان داده شده است. بر اساس نمودار ۳، تعداد افراد محروم در مناطق شهری در ابعاد مختلف به طور کلی روند کاهشی داشته است. در بعد سال‌های تحصیل در سال ۸۸ تعداد افراد محروم در مقایسه با سال قبل افزایش یافته و پس از آن کاهش یافته است. در بعد سلامت و زیرشاخص بیمه تعداد افراد محروم در سال ۸۸ کاهش

و زیرشاخص بیمه در سال ۸۸ تعداد افراد محروم در این زیرشاخص به شدت کاهش یافته است.



نمودار ۳. میزان محرومیت در هر یک از ابعاد در مناطق روستایی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

روستایی در زیرشاخص سال‌های تحصیل و سوخت پخت و پز کاهش چشمگیری داشته است.

استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه تثبیت دستاوردهای برنامه اول توسعه، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه ذکر شده است. لذا در برنامه دوم نیز رشد و توسعه اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف بود و تأکید خاصی بر پایداری آن داشت. مقایسه ارقام وسعت و شدت فقر بین سال‌های ۷۳ و ۷۸ نشان می‌دهد که وسعت و شدت فقر و همچنین شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های برنامه دوم توسعه کاهش چشمگیری نداشته است. بررسی عملکرد برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد که برخلاف فراهم کردن تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی، این تمهیدات نقش مؤثری در کاهش تعداد افراد محروم در زیرشاخص‌های سال‌های تحصیل و حضور فرزند در مدرسه در سال آخر برنامه توسعه نداشته‌اند. بررسی سایر زیرشاخص‌ها نشان می‌دهد که انجام طرح‌های عمرانی در زمینه برق‌رسانی، بهداشت و آبرسانی، فضاهای آموزشی در روستاهای محروم، تعمیر، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی و سایر تمهیداتی که به منظور ارتقای زیرشاخص‌های بعد استاندارد زندگی در برنامه دوم توسعه در دستور کار قرار گرفته، سبب شده است که تعداد افراد محروم در

۵-۱- بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه بر کاهش فقر چند بعدی

هدف اصلی برنامه اول توسعه آن بود که با سرمایه‌گذاری دولت در زمینه بازسازی خسارت‌های جنگ تحمیلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود، روندهای منفی اقتصادی را به نفع ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر دهد و بستر تداوم رشد در آینده را فراهم کند. لذا در این برنامه رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار آمد. به منظور بررسی عملکرد برنامه اول توسعه، مقایسه مقادیر وسعت و شدت فقر بین سال‌های ۶۸ و ۷۳ نشان داد که وسعت فقر از ۶۲/۲۵ درصد در سال اول برنامه به ۴۳/۸۳ درصد در سال ۷۳ کاهش یافته است. علاوه بر این شدت فقر و شاخص فقر چند بعدی نیز طی برنامه اول توسعه کاهش یافته است. شاخص فقر چند بعدی سال ۷۳ گویای این واقعیت است که برنامه‌هایی مانند ریشه‌کنی بی‌سوادی، جایگزین کردن گاز طبیعی به جای فرآورده‌های نفتی و تعمیم بیمه‌های اجتماعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ابعاد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی را مورد هدف قرار داده‌اند سبب کاهش تعداد افراد محروم در هر دو مناطق شهری و روستایی در تمامی ابعاد طی برنامه اول توسعه شده است. به‌ویژه تعداد افراد محروم در مناطق شهری در زیرشاخص‌های سال‌های تحصیل و حمام و در مناطق

مناطق شهری در زیرشاخص حمام و در مناطق روستایی در زیرشاخص‌های برق و حمام کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد "توسعه اقتصادی رقابتی" از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و تدوین شد. با توجه به شاخص سال ۸۳، در برنامه سوم توسعه، وسعت فقر از رقم ۴۳/۶۱ در سال ۷۸ به ۳۳/۸۵ درصد در سال ۸۳ و شدت فقر نیز از رقم ۵۲/۱۷ در سال ۷۸ به ۴۸/۶۳ درصد کاهش یافته است. اجرای مواد قانونی برنامه سبب شده است کاهش چشمگیری در بعد آموزش به‌ویژه زیرشاخص سال‌های تحصیل رخ دهد. طرح توسعه عمرانی شهری و روستایی نیز سبب شده است که تعداد افراد محروم در زیرشاخص‌های حمام و مصالح بنا در هر دو مناطق شهری و روستایی کاهش یابد. در زیرشاخص دارایی از بعد استاندارد زندگی نیز شاهد کاهش در محرومیت هستیم. اما نکته قابل ذکر این است که در بعد سلامت و زیرشاخص بیمه تعداد افراد محروم به نسبت شاخص قبل افزایش یافته است. در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدید برای تغییر در روند توسعه کشور طراحی شد. برنامه چهارم توسعه در قالب سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ و با جهت‌گیری کلی رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی شکل گرفت. هدف از این نوع برنامه‌ریزی، نگاه فعال و آینده‌ساز به مسائل بود که لازمه این نوع نگاه، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است.

شاخص سال ۸۸ نشان می‌دهد که تعداد افراد فقیر یا وسعت فقر در مقایسه با سال ۸۳ کاهش چشمگیری داشته است. این امر بدان معنی است که در سال ۸۸ در مقایسه با سال‌های قبل از آن افراد فقیر کمتری شناسایی شده‌اند و علت آن، کاهش میزان قابل توجه محرومیت در بعد سلامت و زیر شاخص دسترسی به بیمه درمانی است. در برنامه چهارم توسعه در بعد سلامت با اقداماتی که به منظور افزایش اثربخشی نظام ارائه خدمات سلامت در کشور و تقویت و توسعه نظام بیمه خدمات درمانی، منظور شده است، تعداد افراد محروم در زیرشاخص بیمه در مناطق شهری کاهش یافته است. به‌ویژه طرح افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به

روستائیان و عشایر سبب شده است تعداد افراد محروم در این زیرشاخص در مناطق روستایی به طور قابل توجهی کاهش یابد. بنابراین به تبع آن تعداد افرادی که به عنوان فقیر چند بعدی شناسایی شده‌اند، کاهش یافته است. این امر نشان دهنده موفقیت طرح بیمه روستایی در کاهش فقر چند بعدی است. اما برخلاف برنامه‌هایی که به منظور کاهش محرومیت در بعد آموزش در برنامه چهارم برنامه‌ریزی شده است، تعداد افراد محروم در زیرشاخص‌های سال‌های تحصیل در هر دو مناطق شهری و روستایی افزایش یافته است. در حالی که این برنامه‌ها سبب کاهش محرومیت در زیرشاخص حضور فرزند در مدرسه شده است. در سایر زیرشاخص‌ها به جز مصالح بنا در مناطق شهری، شاهد کاهش در تعداد افراد محروم هستیم.

برنامه پنجم توسعه در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله و با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت در سال ۱۳۹۰ آغاز شد. تحقق رشد پرشتاب اقتصادی به میزان ۸ درصد در طول برنامه، بهبود توزیع درآمد و کاهش ضریب جینی به ۳۵ درصد در پایان برنامه، هدفمندکردن یارانه‌ها، مهار تورم و کاهش نرخ بیکاری به میزان ۷ درصد در پایان برنامه از جمله مهم‌ترین موضوع‌های قانون برنامه پنجم در بخش اقتصاد است. به منظور بررسی عملکرد برنامه پنجم توسعه، بررسی شاخص فقر چند بعدی در سال ۹۳ نشان می‌دهد که وسعت و شدت فقر در این سال کاهش یافته است. علاوه بر این شاخص فقر چند بعدی از رقم ۰/۰۳۷ در سال ۸۸ به رقم ۰/۰۲۲۸ در سال ۹۳ کاهش یافته است.

از نظر بررسی میزان محرومیت در زیرشاخص‌های مختلف، در برنامه پنجم توسعه با اجرای برنامه‌هایی که به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی و رفع محرومیت آموزشی طرح شده‌اند، تعداد افراد محروم در زیرشاخص‌های بعد آموزش کاهش یافته است. همچنین، با برنامه‌هایی که در جهت بهسازی و نوسازی شهری و توسعه روستایی صورت گرفته، تعداد افراد محروم در زیرشاخص مصالح بنا نیز کاهش خوبی داشته است. به‌طور کلی بر اساس عملکرد برنامه پنجم در تمامی ابعاد شاهد کاهش فقر چند بعدی هستیم.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

محاسبه شاخص فقر چند بعدی ایران به عنوان معیاری جهت ارزیابی فقر شدید در مناطق شهری و روستایی نشان داد که میزان فقر چند بعدی ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۸ کاهش یافته است؛ اما همچنان برای ریشه کنی فقر شدید در جامعه

۱۳۹۳ تعداد افراد محروم نشان می‌دهد که زیرشاخص‌های سال‌های تحصیل و بیمه در مناطق شهری و زیرشاخص‌های سال‌های تحصیل و مصالح بنا در مناطق روستایی از اولویت بیشتری در جهت کاهش فقر شدید در برنامه‌های توسعه آتی ایران برخوردار هستند.

نیازمند برنامه‌ریزی‌های مدبرانه و دقیق به‌ویژه در زیرشاخص‌هایی که دارای تعداد افراد محروم بیشتری هستند، می‌باشیم. نتایج نشان داد برنامه‌های توسعه پنج ساله پس از انقلاب اسلامی ایران در برخی سال‌ها و در زیرشاخص‌های مختلف سبب کاهش محرومیت شده‌اند اما در برخی زیرشاخص‌ها نتایج مطلوب حاصل نشده است. چنانچه در سال

منابع

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محمود، وحید و صمیمی‌فر، سیدقاسم (۱۳۸۴). "فقر قابلیت". *رفاه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۷ (فقر و نابرابری در ایران)، ۲۷-۵.

میرباقری هیر، میرناصر و شکوهی فرد، سیامک (۱۳۹۵). "بررسی تطبیقی اثرات توسعه مالی بر توزیع درآمد و فقر در کشورهای منتخب اسلامی (رویکرد داده‌های تابلویی)". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۵، ۱۰۸-۹۳.

یگانلو، عطیه (۱۳۹۳). "شاخص چندبعدی فقر در ایران". تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول.

یوسفی، علی؛ اسدی‌خوب، حسن و افشاری، محسن (۱۳۹۲). "ارزیابی فقر چندبعدی در عشایر کوچنده ایران". *اقتصاد کشاورزی*، جلد ۷، شماره ۲، ۶۷-۴۷.

ارشدی، علی و کریمی، عبدالعلی (۱۳۹۲). "بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه". *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال یکم، شماره ۱، ۶۴-۳۵.

ارضروم چیلر، نسرین (۱۳۸۴). "ابعاد گوناگون فقر در ایران". بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۷.

حسن‌زاده، نسرین (۱۳۹۲). "اندازه‌گیری فقر چند بعدی در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

حسینی‌نژاد، سیدمرتضی و اقتصادیان، محمدرضا (۱۳۸۴). "ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در مورد کاهش فقر با استفاده از روش سلطه تصادفی". *فصلنامه سیاست‌ها و پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۳۶، ۵۹-۳۳.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۵). "شاخص‌های ماده ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۳-۱۳۸۹". مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

شاهمرادی، نوشین (۱۳۹۱). "اندازه‌گیری فقر چند بعدی در استان کرمانشاه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. صادقی‌شاهدانی، مهدی و خسروی، میثم (۱۳۹۵). "بررسی اشتراکات و تمایزات مبانی نظری برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۳، ۳۲-۱۳.

عصاری، عباس و مزینانی، عاطفه (۱۳۹۰). "روش‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر و رفاه اقتصادی". *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۷، ۱۰۱-۷۶.

Alkire, S. & Foster, J. (2011). "Counting and Multidimensional Poverty Measurement". *Journal of Public Economics*, 95, 476-487.

Alkire, S. & Robles, G. (2015). "Multidimensional Poverty Index 2015: Brief Methodological Note and Results".

- Oxford Poverty and Human Development Initiative, University of Oxford, Briefing 31.
- Alkire, S., Foster, J., Seth, S. & Santos, M. (2015). *"Multidimensional Poverty Measurement and Analysis"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative.
- Alkire, S., Roche, J. M., Santos, M. & Seth, S. (2011). *"Multidimensional Poverty Index 2011: Brief Methodological Note"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Oxford Department of International Development Queen Elizabeth House (QEH), University of Oxford.
- Alkire, S. & Santos, M. (2014). *"Measuring Acute Poverty in the Developing World: Robustness and Scope of the Multidimensional Poverty Index"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative, University of Oxford, UK World Development, 59, 251-274.
- Ballon, P. & Duclos, Y. (2015). *"Multidimensional Poverty in Sudan and South Sudan"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative, Working Paper No. 17.
- Batana, Y. M. (2008). *"Multidimensional Measurement of Poverty in Sub-Saharan Africa"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative, Working Paper No. 13.
- Battiston, D., Cruces, G. & Lopez Calva, L. F. (2009). *"Income and Beyond: Multidimensional Poverty in Six Latin American Countries"*. Oxford Poverty & Human Development Initiative, Working Paper No. 17.
- Santos, M. E. (2013). *"Tracking Poverty Reduction in Bhutan: Income Deprivation Alongside Deprivation in other Sources of Happiness"*. *Social Indicators Research*, 112(2), 259-290.
- Santos, M. E., Villatoro, P., Mancero, X. & Gerstenfeld, P. (2015). *"A Multidimensional Poverty Index for Latin America"*. OPHI, Working Paper No. 79.
- Shirvanian, A. & Bakhshoodeh, M. (2012). *"Investigating Poverty in Rural Iran: The Multidimensional Poverty Approach"*. *Agricultural Sciences*, 3(5), 640-650.